

## اخلاق عدالت ترمیمی و نقش آن در استقرار امنیت اجتماعی<sup>۱</sup>

امیر مرادی،<sup>۲</sup> محمد آشوری،<sup>۳</sup> محمد علی مهدوی ثابت،<sup>۴</sup> نسرین مهرا<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۰۹

از صفحه ۲۰۵ تا ۲۲۸

پژوهشی نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم،  
شماره چهارم (پیاپی پنجاه و دوم)، زمستان ۱۳۹۹

### چکیده

**مقدمه:** پژوهش حاضر به بررسی اخلاق عدالت ترمیمی و نقش آن در امنیت اجتماعی پرداخته است. امروزه، صرفاً با شناسایی اصول و قواعد انتزاعی الگوی عدالت ترمیمی نمی‌توان به آرمان‌های مدنظر آن دست یافت، بلکه نیازمند راهکار و ابزار مقتضی هستیم.

**روش:** در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی و ابزار فیش‌برداری استفاده شده است؛ مسئله ما، چندتباری و رهیافت ما، میان‌رشته‌ای است.

**یافته‌ها:** نخست، تبیین ارزش‌ها و اصول اخلاق عدالت ترمیمی؛ دوم، تبیین مدیریت اخلاق عدالت ترمیمی و ارکان سند جامع اخلاقی در راستای ترویج هرچه بیشتر مسئولیت اخلاقی متصدیان عدالت مذکور؛ سوم، تصنیف ادبیات اخلاق عدالت ترمیمی، و نقش ارزش‌ها و اصول آن بر امنیت اجتماعی.

**نتیجه‌گیری:** برنامه‌های عدالت ترمیمی تحت الگویی مبتنی بر اخلاق، تنظیم نشده است. ضرورت دارد که حقوق در قید اخلاق برده شود؛ کنشگران عدالت ترمیمی شایسته است برای تحقق اخلاق، مدیریت اخلاق را به‌عنوان بخشی راهبردی و راهکار مقتضی در سازمان تعریف کرده و با شناخت کامل از عناصر محیط، حقوق هر یک از آنها و طبقه‌بندی آنها، به تدوین بیانیه اخلاقی عدالت ترمیمی به‌عنوان ابزار مقتضی، دست یافته و زمینه و فرهنگ التزام به اخلاق عدالت ترمیمی را ایجاد کنند. التزام به اخلاق مذکور، انجام وظایف و نحوه رفتار کنشگران عدالت مذکور با رعایت اصول اخلاقی را عملی، و کیفیت خدمات ارائه شده را تضمین و میان مردم اعتماد و امنیت ایجاد می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق عدالت ترمیمی، مدیریت اخلاق، سند جامع اخلاقی، امنیت اجتماعی.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «نقض اخلاق حرفه‌ای در حقوق کیفری و پیشگیری از آن با نگاهی به اسناد و مقررات بین‌المللی» است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران تکمیل و در زمستان ۱۳۹۶ از آن دفاع شده است.

۲- دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول): amirkabir913@yahoo.com

۳- استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۴- استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۵- دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.



## مقدمه

«اخلاق» شاخه‌ای از فلسفه است که سعی در فهمِ سنخِ شناخته‌شده‌ای از ارزش‌گذاری دارد؛ ارزیابی اخلاقیِ خصائص منشی انسان‌ها، ارزیابی اخلاقی رفتار و نهادهایشان. در این دانش از انسان‌های خوب و بد، انجام کارهای درست و نادرست، نظام‌ها یا قوانین عادلانه و ناعادلانه، اینکه امور چگونه باید و نباید باشد، و اینکه انسان چگونه باید زندگی و رفتار کند، بحث می‌شود (نیگل، ۲۰۰۵). اخلاق، معیار رفتار در مورد موضوع - فرد، گروه و یا سازمان - است، و دانش اخلاق به تأمل در دو موضوع درست یا نادرست، نسبت به انتخاب‌ها و تصمیم‌های اخلاقی اشخاص می‌پردازد.

«عدالت ترمیمی»<sup>۱</sup> الگویی است که از نتایج بزه‌دیدہ‌شناسی و در راستای تدابیر قضازدایی در سیاست جنایی کشورهای آمریکای شمالی در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی وارد ادبیات جرم‌شناسی کانادایی - آمریکایی شد. برآمد عدالت مذکور در دو سطح ارتباط بزه‌دیدہ و بزهکار، و نیز نهادها و ساختارهای اجتماعی با جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی قابل تحلیل است؛ زیرا سعی در رعایت انصاف در برخورد با طرفین درگیر در بزه دارد (جی گامز و ال گرانت، ۲۰۰۹: ۱۲۱).

در این مقاله، عدالت ترمیمی در دو معنی خاص و عام به کار برده شده است؛ معنی خاص آن، تحت‌تأثیر دستاوردهای «بزه‌دیدہ‌شناسی حمایتی»<sup>۲</sup> پا به عرصه وجود نهاد، و تمرکز اصلی‌اش حقوق و منافع بزه‌دیدہ، در کلیه مراحل رسیدگی بود؛ سپس در تحولات بعدی، علاوه بر مورد فوق، سرنوشت اجتماعی و خانوادگی بزهکار، وضعیت جامعه محلی به‌عنوان بزه‌دیدہ ثانوی، و حتی مصالح جامعه در جرایم شدید، نیز مورد توجه قرار گرفت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۷). معنی عام آن نیز عبارت است از: راهبرد یا مجموعه‌ای از برنامه‌ها، مهارت‌ها و راهبردها که به حل و فصل تعارضات و اختلافات بین اشخاص در امور غیرحقوقی و حقوقی می‌پردازد؛ در این معنی، عدالت ترمیمی عبارت است از: باوری که بر مبنای آن، بهترین پاسخ‌ها به همه تعارض‌ها در تمام زندگی، برقراری صلح و سازش از طریق گفتگو و توافق بین اشخاص است

1- Ethics

2- Nagel

3- Restorative Justice

4- J Gumz and L Grant

(جانستون و ون نس، ۲۰۰۷: ۵-۲۳). البته، آنچه در این مقاله مدنظر است، معنی خاص عدالت ترمیمی است.

«اخلاق عدالت کیفری و جرم‌شناسی»<sup>۲</sup> شاخه‌ای از «اخلاق کاربردی»<sup>۳</sup> است که مسائل اخلاقی در زمینه عدالت کیفری و جرم‌شناسی را بررسی می‌کند. اهتمام به رعایت اخلاق موصوف، در برخورد با سوژه‌های انسانی بسیار با اهمیت است. از جمله زیرمجموعه‌های اخلاق عدالت کیفری، اخلاق عدالت ترمیمی است.

آنچه در این مقاله ارائه می‌شود، پاسخ به سؤالات زیر است: چه لزومی به مقید کردن عدالت ترمیمی به معیارهای اخلاق است، و تا چه میزان برنامه‌های عدالت ترمیمی تحت الگویی مبتنی بر اخلاق تنظیم شده است؟ اخلاق عدالت ترمیمی، در ایجاد امنیت اجتماعی چه نقشی دارد؟ راهکار عملی برنامه‌های اخلاق‌مدار عدالت مذکور کدام است؟ به نظر می‌رسد صرفاً با شناسایی اصول و قواعد انتزاعی عدالت ترمیمی نتوان به آرمان‌های مدنظر عدالت مذکور دست یافت و نیازمند راهکار و ابزار مقتضی هستیم. راهکار و ابزار مدنظر ما، مدیریت اخلاق و سند جامع اخلاقی است. همین نکته، مؤید ضرورت پژوهش حاضر و فارق آن با سایر پژوهش‌های مرتبط با عدالت ترمیمی است. تحلیل اخلاقی عدالت ترمیمی، به‌عنوان الگویی مبنی بر برنامه‌هایی که طرفین دعوای کیفری را کنار یکدیگر جمع می‌کند تا در مورد چگونگی پاسخ به بزه، توافق کرده و با آن روبه‌رو شوند و نسبت به جبران خسارت و پیشگیری از آن و صلح و سازش اقدام کنند؛ همچنین تبیین بایسته‌های آن با هدف وصول به معیار صحیح تنظیم برنامه‌های عدالت مذکور، و نقش آن در استقرار امنیت اجتماعی، موضوع مقاله حاضر است.

## پیشینه و مبانی نظری پژوهش

### پیشینه پژوهش

در خصوص عدالت ترمیمی، پژوهش‌های چشمگیری در کشور ما به ثمر رسیده و انجام شده است؛ اما بنابر جستجوی ما، لااقل تا زمان نگارش این پژوهش، پژوهشی ناظر

1- Johnstone and Van Ness  
2- Ethics of Criminal Justice  
3- Applied Ethics



به اخلاق عدالت ترمیمی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی یافت نشد. در خصوص مفهوم امنیت اجتماعی به مقاله آقای رضا علی محسنی، با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، استناد شد.

### مبانی نظری پژوهش

#### معنی و کاربرد اخلاق و فضیلت

اخلاق علاوه بر فرهنگ‌سازی و هویت‌آفرینی برای حوزه‌های فردی، اجتماعی و سازمانی، زمینه را برای اجرای تکالیف قانونی، احکام و قوانین مدنی و اجتماعی و نیز قانون‌مداری و پیشگیری از ارتکاب جرایم و انحرافات، و ایجاد امنیت اجتماعی فراهم می‌سازد. اخلاق در این پژوهش، در معنی فضیلت مدنظر است؛ مُتَخَلِّق را کسی می‌دانیم که رفتار اخلاقی انجام می‌دهد. مراد از اخلاق در این کاربرد، خصلت و رفتار شایسته و بایسته است. اخلاق به معنی خُلُق نیکو، کاربرد خاص واژه اخلاق است؛ وقتی سخن از آموزش و ترویج اخلاق و مسئولیت‌های اخلاقی در میان است، مراد این کاربرد است. اخلاق در این معنی و کاربرد شامل رفتار، ملکه نفسانی، شاکله شخصیتی، خود فرد و حتی سازمان و مؤسسه نیز می‌شود (فرامرز قراملکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵). فضیلت حداقل سه کاربرد دارد (فرامرز قراملکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶)؛ در این نوشتار، خوب و بد در حوزه «ارزش‌دآوری اخلاقی» مدنظر است؛ وقتی می‌گوییم این رفتار خوب است، یعنی قابل ستایش است، و آن رفتار بد است، یعنی قابل سرزنش است.

در این نوشتار، یکی از ملاک‌های عملیاتی، یعنی «حقوق شخص طرف ارتباط» مدنظر است، و رفتار ارتباطی وقتی اخلاقی است که صاحب رفتار، حقوق طرف ارتباط را بشناسد و پاس‌بدارد، و مراد از حقوق در اینجا، حقوق طبیعی است؛ مانند حق احترام، حق آزادی، حق حریم خصوصی، حق برابری عادلانه و حق امنیت اجتماعی.

با توجه به معنی مدنظر از اخلاق، «زیست اخلاقی» را می‌توان به «مسئولیت‌پذیری در قبال حقوق اشخاص» تعریف کرد. شخص اخلاقی، مسئولیت‌پذیر است؛ بر این اساس می‌توان به یک الگوی رفتار ارتباطی در اخلاق دست یافت: «شما حق دارید و من وظیفه». مراد از مسئولیت‌پذیری در اینجا عبارت است از شناخت حقوق اشخاص و

پایبندی به آن در رفتار ارتباطی؛ به گونه‌ای که مسئولیت‌گریزی نسبت به حقوق افراد را ضد اخلاقی می‌نامیم (فرامرزی قراملکی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸).

### ارتباط اخلاق عدالت ترمیمی با امنیت اجتماعی

«اخلاق عدالت ترمیمی»<sup>۱</sup> مسائل، ملاحظات و معضلات اخلاقی در زمینه عدالت کیفری (الگوی ترمیمی) را بررسی می‌کند، و رفتار نهادها و اشخاصی که در آنها فعالیت و مشارکت می‌کنند، مانند بزه‌دیده، بزه‌کار، جوامع محلی و وابستگان، از جمله موضوعاتی است که شأن اخلاقی آنها در اخلاق موصوف محل بحث واقع می‌شود، و نیز پیش‌بینی، شناسایی، ارزیابی خطر موارد نقض حقوق اخلاقی اشخاص مذکور، و اتخاذ تدابیر و اقدامات مقتضی در راستای جلوگیری، از میان بردن یا کاهش آن که سبب ایجاد تغییر، اصلاح، سازش و ایجاد مرام اخلاقی در ایشان شود. در خصوص ارتباط اخلاق و امنیت، همین بس که عامل بودن به اخلاق، منجر به وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد شهروندان و دولت‌مردان (معنی ایجابی امنیت)، و فقد ترس، اجبار و تهدید (معنی سلبی امنیت) می‌شود.

در کنار مقررات، نظم و ترتیب حاکم بر روابط افراد که همان «امنیت»<sup>۲</sup> باشد نیز بقای جامعه را امکان‌پذیر می‌سازد. امنیت در عرصه‌های روابط اجتماعی، اعم از اخلاق، اقتصاد، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ضرورتی انکارناپذیر به شمار آمده و لزوم آن به تصدیق رسیده است. امنیت، پدیداری است مربوط به عالم اخلاق؛ امنیت ابتدا داده‌ای عینی و کلی است؛ سپس، به اعتماد یا توقعاتی که زاده آن است، تبدیل می‌شود. امنیت مبنا و اساس اطمینان است و لازمه این امر، احترام به توقعات مشروعی است که هرکس نزد دیگری به وجود می‌آورد؛ از این رو، تکلیف به رعایت این اطمینان، لازمه عدالت است (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۰۹).

امروزه، مفهوم امنیت در اجتماع از فقدان جرائم و آسیب‌ها فراتر رفته و شامل موارد و مصادیقی از نظر روحی، اخلاقی، بهداشتی، اقتصادی، و همچنین دربرگیرنده ثبات و نظم واقعی و عقلانی در اجتماع شده است که از آن به «امنیت اجتماعی»<sup>۳</sup> تعبیر

1- Ethics of Restorative Justice  
2- Security  
3- Social Security



می‌شود. امنیت اجتماعی از عناصر حیاتی اشخاص و با لحاظ کلیت جامعه، نوعی احساس آرامش و اطمینان خاطر است که گروه و جامعه در آن نقش دارد، و ناظر بر تدارک سلامت اشخاص در جامعه، در مقابل اقدامات خشونت‌آمیز و رفع دغدغه‌های ذهنی و احساس عدم امنیت شهروندان است. این پدیده اجتماعی دارای گونه‌های مختلفی از جمله شغلی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، قضایی، انتظامی، اخلاقی و... است (محسنی، ۱۳۸۸: ۱). تبیین برخی انواع امنیت - حقوقی و قضایی - مرتبط با موضوع مقاله حاضر، ضروری به نظر می‌رسد.

در حقوق، «امنیت» از ثبات و همچنین قابل پیش‌بینی بودن عکس‌العمل‌ها پدید می‌آید. امنیت حقوقی دارای چند وجه است: نیاز به امنیت قبل از هر چیز با ایجاد سیستم حقوقی تأمین می‌شود؛ کار اولیه این سیستم، استقرار نظم در جامعه با قواعد و مقرراتی است که به‌طور کلی، باید دارای ضمانت اجرا باشد؛ این نوع امنیت با حقوق به‌وجود می‌آید. امنیت دیگری نیز وجود دارد که به آن «امنیت در حقوق» می‌گویند. این نوع امنیت که امنیت در مفهوم خاص کلمه است در دو حوزه ظاهر می‌شود: نخست، در نظام حقوقی به‌طور کلی (امنیت حقوقی عینی)؛ دوم، در روابط حقوقی میان طرف‌های معین (امنیت حقوقی شخصی). امنیت در حوزه نخست با جامعیت و تمامیت شیوه کار نظام حقوقی، یعنی لزوم روشن و صریح بودن قواعد حقوقی، یا لزوم و قابل پیش‌بینی بودن تصمیمات مبتنی بر آن سروکار دارد. امنیت در این حوزه داده‌ای عینی است که اثر کلی دارد؛ بدان‌گونه که می‌توان گفت در قبال همه به یک صورت دارای اعتبار است. اما امنیت در حوزه دوم، به روابط میان اشخاص معین مربوط می‌شود، و اثری جزئی دارد و فقط نسبت به طرف‌های رابطه دارای اعتبار است (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۱۲-۴۱۳).

امنیت حقوقی، شرط تحقق امنیت قضایی است (ویژه، ۱۳۹۰)؛ امنیت قضایی نیز عبارت است از عملکرد صحیح و بدون تبعیض سیستم قضایی (وجه عینی)، اعم از زیرنهادهای رسمی و غیر رسمی، جهت رسیدن به اهداف تعریف شده - تأمین و دفاع از حقوق شهروندان و جامعه، احقاق حق و فصل خصومت - و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد (وجه ذهنی) (علینقی، ۱۳۷۹).

نظام عدالت کیفری معاصر، ابزار کنترل اجتماعی در قبال رفتارهای خلاف قانون است و جوهره نظام مذکور را «حقوق کیفری» تشکیل می‌دهد. عدالت کیفری به‌عنوان یک نظام یا دستگاه به نوبه خود از زیرنظام‌ها یا زیرنهادهایی رسمی و غیر رسمی، از جمله کنشگران و هیئت‌های ترمیمی و جامعه محلی در عدالت ترمیمی، تشکیل شده است که در تعامل با یکدیگر، رسالت تأمین «امنیت جامعه» را بر عهده دارد. اقدامات هماهنگ، قانون‌مند و اخلاقی عدالت کیفری به نوبه خود منجر به «کرامت‌مدار شدن آن» و استقرار «امنیت عادلانه» می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۱).

رسالت عدالت کیفری در حقیقت حفظ «امنیت» شهروندان و نهادهای حاکمیت یعنی عمومی است. این امنیت دو درجه دارد که عدالت کیفری به دنبال تضمین آن است: نخست، تضمین حق شهروندان بر امنیت جانی، مالی و اخلاقی در برابر مرتکبان جرائم؛ دوم، تضمین حق شهروندان بر امنیت حقوقی - قضایی، یعنی حقوق و آزادی‌های فردی در مقابل نهادهای عدالت کیفری. به این ترتیب، عدالت کیفری برای تحقق امنیت جانی، مالی و امنیت حقوقی، قضایی شهروندان و به‌طور کلی، نظم عمومی جامعه اقدام می‌کند و این مهم از وظایف حاکمیتی دولت‌ها است؛ زیرا تضمین دو حق موصوف بر عهده دولت‌ها است و تحقق دو حق مذکور در گرو برقراری تعادل بین تضمین آنها در نظام عدالت کیفری است.

عدالت ترمیمی به‌عنوان یک الگو در نظام عدالت کیفری، با رویکردی انتقادی به الگوی کلاسیک مطرح شده است؛ هدف عدالت مذکور در رسیدگی‌های کیفری، کاستن از دغدغه‌های شیوه‌های رسمی و ارائه بسترهای نوظهور در رسیدگی‌ها و به نوعی احساس «امنیت» برای کنشگران و ارکان مرتبط با آن عدالت است؛ تا از این طریق، نظام عدالت کیفری به اهداف تعریف شده دست یابد. عدالت موصوف، جرم را لطمه‌ای به اشخاص و روابط میان آنها تعریف می‌کند که آثار و خسارات آن، نه فقط بزه‌دیده، بلکه جامعه محلی و روابط اجتماعی محلی، و خود بزه‌کار، و در جرایم شدید جامعه را متأثر و متضرر می‌کند و آرمان عدالت مذکور، تغییر و تبدیل روابط بین عناصر، جدای از الزام نظام عدالت کیفری و عواقب آن، و فراهم ساختن فضا و ابزار لازم در راستای رسیدن به یک راه‌حل ترمیمی و مبتنی بر طرح نظر و مصالحه طرفینی از طریق



مشارکت داوطلبانه، و آگاهی از نتایج عمل مجرمانه از سوی مرتکب جرم و آگاهی از انگیزه عمل و تحول فکری مرتکب جرم، از سوی بزه‌دیده می‌باشد، و از این طریق، زمینه ندامت، اصلاح مجرم و بازپذیری اجتماعی او را مساعد می‌کند و از تکرار جرم نیز پیشگیری خواهد کرد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۲: ۲۰ و ۲۴).

## روش‌شناسی

در این پژوهش از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است؛ در روش توصیفی به گردآوری داده‌های موجود در خصوص موضوع و بیان وضعیت و خصوصیات موجود در مورد آن پرداخته شده است، و در روش تحلیلی، داده‌های موجود تبدیل به اطلاعات شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش اصولاً به صورت کتابخانه‌ای است. نگاه ما در این پژوهش، چندتباری و رهیافت ما، میان‌رشته‌ای است.

## یافته‌های پژوهش

### ۱) رهیافت‌ها، خاستگاه، ارزش‌ها و اصول اخلاقی عدالت ترمیمی

#### ۱-۱) رهیافت‌های موجود

اخلاق عدالت ترمیمی، با دوگونه رهیافت، قابل بحث است: نخست، اخلاق شرکت‌کنندگان و اعضاء؛ نخستین رهیافت در عدالت مذکور، مسئولیت‌پذیری اخلاقی را در عدالت ترمیمی به اشخاص شرکت‌کننده معطوف می‌کند. در این رهیافت، دغدغه‌های اخلاقی سبب شده که علاوه بر توجه به اصول اخلاقی خاص، مثل حفظ اسرار، توجه به حقوق سوژه‌های انسانی، ضروری و تبدیل به الزام‌های اخلاقی گردد. دوم، اخلاق هیئت‌های ترمیمی و جامعه محلی؛ دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی؛ امروزه، اقدامات عدالت ترمیمی در هیئت‌های ترمیمی و جامعه محلی، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی جا یافته‌اند. هدف عمده این هیئت‌ها، درک بهتر آثار جرم و بزه‌دیده و جامعه محلی است و می‌کوشند تصمیمات و تدابیر جبرانی لازم را برای اصلاح امور و ترمیم آنچه از بین رفته است، اتخاذ کنند.



این نهادها و هیئت‌ها به منزله شخصیت حقوقی، تأثیر بسیار ژرف و پردامنه و بسی بیش از اشخاص حقیقی بر برنامه‌های عدالت مذکور دارد؛ به همین دلیل، سازمان‌ها و هیئت‌هایی که به این امور می‌پردازند در قبال همه عناصر درونی و بیرونی خود مسئولیت دارند و پایبندی به مسائل اخلاقی باید با شناخت کامل از عناصر محیط، حقوق هر یک از آنها را استقصاء کند و پس از طبقه‌بندی آنها و با تعیین اولویت به تدوین «منشور چندوجهی اخلاق عدالت ترمیمی» دست یابند.

## ۲-۱) خاستگاه مسائل اخلاقی

مسائل اخلاقی در عدالت ترمیمی، به‌طور کلی، از «تعارض عدالت ترمیمی با حقوق اشخاص مرتبط با آن» برمی‌خیزد. شناخت مواضع عام بروز مسائل اخلاقی، امکان تشخیص دقیق و حل اثربخش آنها را فراهم می‌سازد. مواضع موصوف عبارت‌اند از:

**ماهیت مسئله عدالت ترمیمی:** گاهی مسائل عدالت ترمیمی، زمینه تعارض با حقوق انسان‌ها است. به‌عنوان مثال، بزه‌کاران باید به‌صورت اختیاری در فرآیند مذکور مشارکت کنند، و اجرای تعهدات توسط ایشان باید با خواست ایشان باشد.

**مکان:** می‌توان ادعا کرد که مکان برگزاری برنامه‌های عدالت ترمیمی باید به‌صورتی معماری در نظر گرفته شود که مشارکت‌کنندگان و به‌خصوص بزهکاران خود را در محیطی دادگاهی و در وضعیت محاکمه تصور نکنند؛ بلکه فضایی لطیف و توأم با اراده و گفتمانی هدفمند در راستای اصلاح را درک کنند.

**شیوه‌های گردآوری اطلاعات، روش‌ها و ابزار مورد نیاز در فرآیند:** این شیوه‌ها و ابزارها می‌تواند مسائل اخلاقی فراوان به‌وجود آورد؛ مانند استفاده از روش‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات، بدون آگاهی بزهکار و یا بزه‌دیده و یا روش‌هایی مبتنی بر فریب.

**شرکت‌کنندگان:** وضعیت شرکت‌کنندگان نیز خاستگاه بروز مسائل اخلاقی قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، نقش هر یک از شرکت‌کنندگان در عدالت ترمیمی با توجه به ماهیت جرم و ظرفیت، توانایی و تمایل هر کدام متفاوت است؛ لذا نباید بر خلاف تمایل و ظرفیت ایشان در فرآیند مذکور نسبت به اعمال نقش و برنامه اقدام کرد.



### ۳-۱) ارزش‌های اخلاقی

اخلاق هنجاری مدنظر بر «هنجارهای عام» متمرکز است؛ یعنی بر ارزش‌هایی که باید رفتار مدنظر در الگوی عدالت ترمیمی را هدایت کند. ارزش‌های اخلاقی مدنظر عدالت ترمیمی بنابر استقراء ناقص در ذیل تبیین می‌شود:

**دقت در استانداردها، روش‌ها و تعارض منافع حرفه‌ای:** اخلاق عدالت ترمیمی مقرر می‌دارد کنشگران عدالت مذکور باید سعی کنند با تمهیدات لازم، مانند استفاده از تجربیات موارد مشابه، و رعایت روش‌های دقیق، از خطا در فرآیند موصوف اجتناب کنند، و باید خطاهای آزمایشی، روش‌شناختی، انسانی، سازمانی و تعارض منافع را به حداقل برسانند تا به این صورت زمینه انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و رفتارهای درست مهیا شود. همچنین، لزوم دقت در مورد تعارض منافع حرفه‌ای ضروری است؛ به‌عنوان مثال، استقرار عدالت ترمیمی با موضوعات استقلال، تعارض منافع و توان پاسخگویی مرتبط است؛ چرا که استقرار عدالت ترمیمی خارج از نهادهای فعلی عدالت کیفری، به منزله یک نهاد مستقل، این مزیت را به همراه دارد که تسهیل‌کنندگان مانند اشخاص بی‌طرف در نظر گرفته خواهند شد. از طرفی، محدودیت‌های عملی و سیستمی برای این امر وجود دارد، و هر نهاد مستقل تازه تأسیس الزاماً باید فرهنگ خاص خود را ایجاد کند، و با تنش‌هایی در تعاملات خود با دستگاه عدالت کیفری مواجه خواهد شد (شاپلند؛ رابینسون؛ سارزی، ۱۳۹۴: ۳۱۱ و ۱۱۹).

**پویایی و توسعه سازوکارها:** فعالان و مشارکت‌کنندگان فرآیند عدالت ترمیمی باید نسبت به پیگیری دست‌آوردها، سازوکارها، عقاید جدید، و توسعه آن مجاز باشند و با توجه به مقتضیات زمان و مکان، در راستای سازش، مصالحه و تعاون بیشتر، به‌روز شوند.

**جامعیت، انصاف و عدالت:** حضور جامع و کامل تمام طرف‌های مرتبط، و لحاظ عدل و انصاف از طریق حمایت‌های ضروری و ایجاد فرصت برای طرفین از اساسی‌ترین معیارها است.

**آموزش:** آموزش دانش نظری، مهارت عملی و شیوه‌های حرفه‌ای لازم برای فعالان و مشارکت‌کنندگان فرآیند عدالت ترمیمی، و لو به‌صورت فشرده، از طریق برگزاری دوره‌های تخصصی و نیز همگانی ضروری به نظر می‌رسد.

تدوین مقررات سازگار: بیشتر طرح‌های عدالت‌ترمیمی توسط گروه‌های داوطلبانه اجرا می‌شده که از رهنمودهای قانون‌گذاری برخوردار نبوده‌اند؛ اما امروزه در مرور زمان، دستورالعمل‌های قانونی برای سازمان‌های عدالت‌ترمیمی تأسیس شده، و به موجب قانون توسعه یافته است؛ بنابراین پشتیبانی قانونی در این زمینه در صورت تدوین مقررات سازگار، ضروری است. برای مثال، مقرراتی که مشارکت‌کنندگان را ملزم به نظم‌بخشی کند و یا از استفاده رویدادها و گفت‌وگوهای جلسات و محافل عدالت‌ترمیمی به‌عنوان ادله در آینده منع کند (شاپلند و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۴).

**رعایت حقوق اخلاقی:** مشارکت‌کنندگان در برنامه‌های عدالت‌ترمیمی، باید به‌خصوص حقوق اخلاقی انسان‌های درگیر در موضوع و پرونده را رعایت، و از آنها در مقابل زیان و استثمار مراقبت کنند. ادله احترام قائل‌شدن در این مورد عبارت است از: نخست، وظیفه‌گرایی اخلاقی: انسان‌ها وظیفه دارند از نقض حقوق بشر و آسیب رساندن و استثمار به آنها خودداری کنند؛ دوم، ارتقاء حمایت عمومی از حقوق اخلاقی بشر: احترام به انسان‌ها کمک می‌کند تا حمایت عمومی از حقوق اخلاقی بشر ارتقاء یابد.

**پیوند و درک:** در عدالت‌ترمیمی نیز پیوند و درک بین بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه محلی، از مهم‌ترین معیارها است. هر نگاه اخلاقی باید دریابد که رفتار اخلاقی، یک رفتار فردی برقراری پیوند است: پیوند با دیگری، پیوند با اجتماع، و در نهایت، پیوند با گونه انسانی. در پیوند، یک الزام اخلاقی حیاتی است که الزامات دیگر نسبت به جامعه و بشریت را سمت و سو می‌دهد. اخلاق دگرخواهی، اخلاق پیوند است که گشایش به دیگری را می‌طلبد، احساس هویت مشترک را حفظ می‌کند و درک دیگری را تقویت می‌بخشد. درک، توجیه، تبرئه، پرهیز از داوری و اقدام نیست؛ درک نه می‌بخشد و نه متهم می‌کند؛ درک داوری فکری را دامن می‌زند، اما از «محکومیت اخلاقی»<sup>۱</sup> جلوگیری نمی‌کند. درک، تأمل در مورد چرایی و چگونگی کینه‌ورزی و تحقیر کردن، و نیز پذیرش این امر است که مرتکبان جرائم و انحرافات نیز موجوداتی انسانی هستند. «اخلاق درک»<sup>۲</sup> به ما می‌آموزاند که در برابر قصاص، انتقام و تنبیه، که این قدر عمیقاً در روح ما ثبت و حک شده است، مقاومت کنیم (مورن، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۰۶-۱۰۵-۲۱).

1- Moral Condemnation  
2- Ethics of Perception



## الف - اصول اخلاقی

ملاک‌های سازمان‌های تخصصی در قالب اصول اخلاقی در سند جامع اخلاقی آن سازمان بیان می‌شود. رعایت حقوق اشخاص و پایبندی به مسئولیت‌های اخلاقی در عدالت ترمیمی، محتاج اصولی است که راهبردی‌ترین آن را می‌توان به صورت مختصر و بنا بر استقراء ناقص در ذیل ارائه کرد.

**ضرورت جایگاه قانونی:** عدالت ترمیمی باید از یک جایگاه قانونی برخوردار باشد، در غیر این صورت، صرفاً می‌تواند به مواردی رسیدگی کند که یا از عدالت کیفری به تأمین‌کننده خدمات عدالت ترمیمی ارجاع شده است و یا اینکه به مواردی رسیدگی کند که عدالت ترمیمی تحت نظارت یک عدالت کیفری ارائه می‌شود (شاپلند و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۱۳).

**آگاهی و رضایت:** با توجه به اینکه مشارکت در عدالت ترمیمی، اختیاری و ارادی است؛ لذا آگاه‌سازی و رضایت مشارکت‌کنندگان ضروری است. آگاه‌سازی و رضایت از مشارکت ایشان می‌تواند به معنی برقراری ارتباط با انواع پاسخگویی باشد که به شیوه‌های مختلف در فرآیند مذکور درگیر شده‌اند.

**حفظ اسرار و رازداری:** حفظ اسرار افراد از مهم‌ترین مسائل و مضامین اخلاقی است؛ به طوری که، در زمره اصول مشترک همه مکاتب اخلاقی می‌باشد.

**رسیدگی مبتنی بر شور و استدلال:** پایبندی به مشورت طرف‌های شرکت‌کننده و نیز استدلال در کلیه مراحل فرآیند مذکور، ضروری است.

**رهیافت نقادانه و نقدپذیری:** اگر امنیت اجتماعی از دست برود، همه چیز از بین می‌رود، و شرط لازم دستیابی به آن، کسب معرفت است؛ این هم مدیون رهیافت نقادانه به معرفت، حقیقت و برنامه‌های عدالت ترمیمی است. نقدپذیری در کلیه مراحل فرآیند مذکور نیز اخلاقی و سبب ارتقاء است.

**کثرت‌گرایی روش‌شناختی و پاسخگویی:** اخذ حصرگرایی در روش‌ها، برنامه‌ها و پاسخگویی عدالت ترمیمی و غفلت از سایر روی‌آوردها، از مهم‌ترین مواضع خطاپذیری در این زمینه است. چنانکه برخی ذیل عنوان «پاسخگویی‌های چندگانه عدالت ترمیمی»

با اذعان به اینکه تنها یک شکل پاسخ‌دهی و یا نظم‌بخشی برای عدالت ترمیمی وجود ندارد، به برخی موارد آن مانند پاسخگویی حقوقی، مدیریتی، مالی، سیاسی، حرفه‌ای و پاسخگویی به شهروندان اشاره کرده‌اند (شاپلند و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

**رعایت حریم خصوصی اشخاص:** ورود بدون توافق آگاهانه به حریم خصوصی اشخاص، تعدی و تجاوز به مهم‌ترین حق آنها است.

### ب- مدیریت اخلاق عدالت ترمیمی

از جمله متصدیان برنامه‌ها و اقدامات عدالت ترمیمی، هیئت‌های ترمیمی و جامعه محلی و نیز دولت‌ها، نظام‌های عدالت کیفری، مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی هستند که می‌کوشند تصمیمات، تدابیر جبرانی و پاسخ‌های چندگانه لازم برای اصلاح امور، ترمیم آنچه از بین رفته را اتخاذ کنند. اخلاقی بودن بر همه ارکان و فعالیت‌های سازمان‌های اخلاقی پرتو می‌افکند. هیئت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های پیشگام در اخلاق برای تحقق اخلاق، مدیریت اخلاق را به‌عنوان بخشی راهبردی در سازمان تعریف کرده‌اند. ترویج اخلاق در سازمان، نیازمند فعالیت نظام‌مند، برنامه و مشارکت گروهی است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

### ج - تعریف، تدابیر ساختاری و کارکردها

مدیریت اخلاق، بهینه‌سازی و ارتقاء مستمر مسئولیت‌پذیری اخلاقی سازمان عدالت ترمیمی از طریق تدوین سند و خط‌مشی‌های اخلاقی، طراحی و اجرای برنامه‌های ترویجی، نظارتی، ارزیابی و تشویقی است.

تدابیر ساختاری در مدیریت اخلاق عبارت‌اند از: حمایت مدیر عالی سازمان از برنامه‌های اخلاقی، تعیین سیاست‌های اجرایی بر پایه چشم‌انداز و برنامه‌های راهبردی سازمان به‌وسیله تدوین «آیین‌نامه و دستورالعمل اخلاقی برای نهادهای متصدی عدالت ترمیمی» که در برگیرنده مفادی از جمله اهداف برنامه‌های اخلاقی ارکان و اعضاء نهادهای مذکور، اجرا و نظارت بر برنامه‌های اخلاقی و... است؛ همچنین شامل ایجاد یک

۱- اصول اساسی برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری، قطعنامه ۱۲/۲۰۰۲ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، ۲۴ جولای ۲۰۰۲.



«کمیته مدیریت اخلاق» با وظایف تعیین شده و انتصاب یک مسئول اخلاق با تخصص اخلاق حرفه‌ای و مطلع به امور تخصصی سازمان است.

در خصوص کارکردهای مدیریت اخلاق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) تدوین سند جامع اخلاقی: سازمان بیانیه‌های اخلاقی گوناگونی دارد که جامع‌ترین آنها «سند اخلاقی» نام دارد که ارکان آن شامل اصول راهبردی اخلاقی و یا اصول ارزش‌ها و خط‌مشی‌های اخلاقی سازمان در قبال حقوق عناصر محیط درونی و بیرونی (منشور اخلاقی سازمان) و عهدنامه‌های اخلاقی منابع انسانی است. ویژگی‌های سند اخلاقی عبارت است از: نسبت به حقوق تمام عناصر محیط سازمان فراگیر باشد؛ رسا، شفاف، دقیق، ساده و استوار و با مسئولیت‌های اخلاقی در سازمان سازگار باشد؛ ترتیب و اولویت‌بندی در تعهدات اخلاقی را لحاظ کند؛ قابل دستیابی و اجرا شدنی، و دارای جهت‌گیری اخلاق‌ورزی درونی باشد. کارکردهای سند اخلاقی عبارت است از: تدوین جهان‌بینی سازمانی، هدف و ممیز تدوین برنامه‌ها، منبع شناخت مسئولیت اخلاقی، ممیز تصمیم‌سازی، معیار ارزیابی عملکرد اخلاقی سازمان. منابع سند اخلاقی عبارت است از: ادیان، عرف، فرهنگ و تمدن کشورها، سازمان‌های بین‌المللی، قوانین و بیانیه‌های ملی و بین‌المللی و تجربیات مؤسسات و سازمان‌های حرفه‌ای متصدی می‌باشد. در راستای تدوین سند اخلاقی، ابتدا به تدوین رکن اول آن (منشور اخلاقی) می‌پردازیم، که عبارت است از تعیین ارزش‌ها، صاحبان حق و اولویت بین گروه‌های صاحب حق و حقوق هر یک از ایشان در سازمان، و تدوین وظایف سازمان در قبال هر یک از گروه‌های صاحب حق، ارزیابی منشور اخلاقی، اعتبارسنجی منشور اخلاقی، و تدوین نهایی منشور اخلاقی؛ سپس، به تدوین رکن دوم آن (عهدنامه اخلاقی) می‌پردازیم که عبارت است از: فهرست تنوع منابع انسانی، استقصاء صاحبان حق، حقوق ایشان، و وظایف اخلاقی منابع انسانی در قبال حقوق اشخاص، تدوین و ارزیابی و اعتبارسنجی عهدنامه.

ب) تدوین برنامه‌های عملیاتی اخلاق: این برنامه‌ها بر اساس رخنه‌سنجی بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود تدوین می‌شوند. «وضعیت موجود» حد و مرز مشخص دارد که از طریق تحلیل مناسبات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی و بر اساس معیارها و منطق ارزیابی به دست می‌آید. «وضعیت مطلوب» مراتب مختلف دارد: آرمانی

بر مبنای منابع خاص مانند دین و بیانیه‌های اخلاق جهانی؛ کوتاه‌مدت با هدف دستیابی به فوری‌ترین وضعیت مطلوب و نزدیکترین سطح آن؛ میان‌مدت و بلندمدت با هدف دستیابی به وضعیت مطلوب دوردست.

ج) سازمان‌دهی فعالیت‌های اخلاقی: تأمین منابع انسانی مناسب، ابزار و منابع مالی و تعیین روابط بین این عوامل و سازماندهی آنها به منظور تحقق برنامه‌های اخلاقی.

د) به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص: شناسایی، تأمین و به‌کارگیری کارشناس اخلاق و مشاور مسائل اخلاقی.

ه) نظارت و ارزیابی: ایجاد نظام نظارتی و نیز ارزیابی پس از اعمال برنامه‌های مدنظر، نقش اساسی در اجرای نیک برنامه‌های عملیاتی سازمان دارد. نظارت و ارزیابی مستمر، عملی مدیریتی است که منجر به مسئولیت‌پذیری سازمان و رشد اخلاقی آن در مرور زمان می‌شود (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۲۵ الی ۱۷۳ با اندکی دخل و تصرف).

از جمله جنبه‌های عملی مهم اداره کردن یک سازمان ترمیمی، راه‌اندازی سیستم‌های داده‌ای و نظارتی کارآمد است. سیستم مورد نیاز پیچیده‌تر از سیستم‌های معمول نظارتی در نهادهای عدالت کیفری است؛ زیرا باید جزئیات مربوط به جرم، بزه‌کار و بزه‌دیده را نگهداری کند و در عین حال، قادر به ردیابی و پیگیری فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها باشد (شاپلند و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

#### د- الگوی نهادینه‌سازی اخلاق

تحقق اخلاق در سازمان، محتاج الگویی اثربخش است و الگوهای اخلاقی سازمان انواع مختلف دارد: نخست، الگوی بالا به پایین؛ که بر نقش مدیران در ترویج اخلاق توجه و تأکید دارد؛ دوم، الگوی پایین به بالا؛ که بر ترویج اخلاق در لایه‌های زیرین سازمان و انتشار آن در لایه‌های زیرین توجه دارد؛ سوم، الگوی موازی؛ که جمع بین دو الگوی فوق‌الذکر است؛ چهارم، الگوی تعاملی؛ که بر آموزش و مشاوره مدیران به تعامل اخلاقی در فرهنگ سازمانی تأکید دارد؛ به‌صورتی که بر نقش اسوه‌ای مدیران عالی و نقش ترویجی سایر سطوح مدیران و اعضاء سازمان به‌طور هم‌زمان و در تعامل لایه‌های زیرین و زبرین تأکید دارد و اثربخشی بیشتری دارد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۳۴).



۱۳۲). با توجه به آموزه‌های عدالت ترمیمی، به نظر می‌رسد الگوی چهارم، برای سازمان‌های عدالت ترمیمی مناسب است.

### هـ - نقش اخلاق عدالت ترمیمی در استقرار امنیت اجتماعی

در این بند با توجه به آموزه‌های اخلاق عدالت ترمیمی که از نظر گذشت، به نقش اخلاق مذکور در استقرار «امنیت اجتماعی» می‌پردازیم.

### و - مسئولیت‌پذیری اجتماعی

امروزه، «نظریه‌های مسئولیت» بیش از پیش بر مفهوم «امنیت» مبتنی شده است (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۰۸). پیش‌تر اشاره شد که مسئولیت اخلاقی فربه‌تر از مسئولیت اجتماعی و شامل آن است، و محوری‌ترین مسئولیت اخلاقی هر سازمان، تعهدات اجتماعی، ذیل مسئولیت اجتماعی آن است. عدالت ترمیمی نیز منبعث از سرچشمه‌های اجتماعی است که در تقویت اجتماع نقش دارند و در راستای مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به جمع حقوق و منافع شخص و اجتماع، نظر داشته و سعی دارد «تعارض منافع» را به حداقل برساند و جامعه محلی وظیفه تقویت شرایط و روابط اجتماعی در راستای کاهش جرم و افزایش سطح آرامش، نظم و «امنیت اجتماعی» را دارد. البته این امر منوط به فعالیت روشمند اعضای جامعه محلی، تحت رهیافت «روش‌شناسی مردمی»<sup>۱</sup> است. روش‌شناسی مردمی، رهیافتی جامعه‌شناختی است برای مطالعه این امر که «نظم اجتماعی» در همه اشکال و ابعاد زندگی روزمره، محصول فعالیت روشمند اعضای جامعه است. هدف اصلی این رهیافت، تعیین اصول و سازوکارهایی است که از طریق آن کنشگران، ساختارهای معنی‌دار را می‌سازند و به آنچه پیرامون آنها رخ می‌دهد، آنچه بیان می‌کنند و آنچه در تعامل با دیگران انجام می‌دهند، نظم می‌بخشند (محمدپور، ۱۳۹۶: ۲۶۹).

### ز - احیای اخلاق‌مدار روابط عناصر عدالت ترمیمی

از آنجایی که تمرکز اصلی عدالت ترمیمی، احیای رابطه بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه محلی با رعایت درجه احترام و حمایت از آنها است، این اقدامات در استقرار «امنیت

1- Ethnomethodology



اجتماعی» تأثیرگذار خواهد بود؛ زیرا «امنیت»، یعنی تضمین حقوق؛ با این توضیح که معنی خاص عدالت مذکور که اهتمام اصلی‌اش به حقوق و منافع بزه‌دیده، در کلیه مراحل رسیدگی است، منجر به استقرار «امنیت قضایی» می‌شود. همچنین، معنی عام عدالت موصوف که عبارت است از راهبرد یا مجموعه‌ای از برنامه‌ها، مهارت‌ها و راهبردها که به حل و فصل تعارضات و اختلافات بین اشخاص در امور غیرحقوقی و حقوقی، منجر به استقرار «امنیت اجتماعی» می‌شود. امنیت قضایی نیز زیرمجموعه امنیت اجتماعی است؛ البته، اقدامات مبتنی بر معیارهای اخلاقی عدالت کیفری - با ابتنا بر الگوی ترمیمی - منجر به کرامت‌مدار شدن آن و استقرار «امنیت عادلانه» می‌شود.

به نظر می‌رسد التزام به اخلاق عدالت ترمیمی، ارزش اصلی برنامه‌های عدالت ترمیمی محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر، التزام مذکور می‌تواند انجام وظایف و نحوه رفتار کنشگران عدالت موصوف با رعایت اصول اخلاقی ضروری را عملی کرده و کیفیت خدمات ارائه شده را تضمین و برخورد نظام عدالت کیفری را متعادل کند و در نهایت، در میان عموم مردم اعتماد و امنیت ایجاد کند؛ در غیر این صورت، چه بسا شاهد گسترش پدیده «امنیت‌گرایی افراطی در نظام عدالت کیفری» - لاقلاً در برخی جرائم - باشیم؛ این پدیده با متأثر ساختن سیاست جنایی برخی کشورها به بهانه تضمین و تأمین امنیت حداکثری شهروندان و جامعه، در برخورد با پدیده جنایی، منجر به تغییر تمرکز سیاست جنایی از «مجرم‌محوری» به «جرم‌محوری» شده است و گویی مرتکبان جرم، دشمن فرض شده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴)؛ به این ترتیب، شاهد نتایجی مانند انسانیت‌زدایی، سرکوبی مرتکبان جرائم، جرم‌انگاری حداکثری، عدم رعایت کیفیت و شفافیت مقررات جزایی، محدودسازی برخی نهادهای حقوقی، مادی شدن جرائم و نادیده گرفتن رکن روانی، واکنش به حالت خطرناک، پاسخ دولتی به انحرافات، و استقرار سیاست جنایی سرکوب‌گر خواهیم بود (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۲).

### ح - مراقبت اخلاقی

۱- به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های امنیتی شدن نظام عدالت کیفری، لاقلاً در برخی جرائم فقد سند جامع اخلاقی با رویکرد و الگوی عدالت ترمیمی و عدم التزام قانون‌گذاران به آن باشد. از جمله سایر عوامل و زمینه‌های امنیتی شدن نظام عدالت کیفری می‌توان به شکست جرم‌شناسی‌های اصلاح و تربیت با رویکرد بازپروری بزهکاران، ترس از جرم و افزایش آمار جرائم و ظهور جرائم سازمان یافته فراملی اشاره کرد.



دانستیم که در اخلاق عدالت ترمیمی، پیوند و درک، یکی از ارزش‌های مهم است؛ اخلاق دگرخواهی نیز اخلاق پیوند است که درک دیگری را تقویت می‌بخشد؛ از طرفی، «امنیت اجتماعی» نوعی احساس آرامش و اطمینان خاطر مردم است که گروه و جامعه در آن نقش دارد؛ حال اضافه می‌شود که چه آرامش و اطمینان‌خاطری بهتر از درک شدن. اخلاق دگرخواهی، «درک دیگری» را تقویت می‌بخشد. گشایش و درک مدنظر در اخلاق دگرخواهی، آنچنان موسّع است که اغراق نیست اگر قائل به این نظر باشیم که اخلاق دگرخواهی منجر به «مراقبت اخلاقی» و به تبع ترویج هرچه بیشتر احساس آرامش و اطمینان خاطر مردم می‌شود. مراقبت اخلاقی، گرایش و یا حالتی پسندیده است که حاصل حفظ پیوند است. مراقبت اخلاقی، نظر به نگران بودن دارد. «نگران بودن» راهکاری است که به سبب آن می‌توان «محبت» را پایه‌ریزی کرد و به پایه‌گذاری، استقرار و اجرای عدالت کمک کرد (جنلینک، ۱۳۹۷: ۴۶).

#### ط - اجتماعی کردن اخلاقی

پیشتر خاطرنشان کردیم که کنشگران عدالت ترمیمی باید نسبت به پیگیری دست‌آوردها، سازوکارها، راهکارها، عقاید جدید و توسعه آن مجاز باشند و با توجه به مقتضیات زمان و مکان، در راستای درک، سازش، مصالحه و تعاون بیشتر، به‌روز شوند؛ از جمله این راهکارها، «اجتماعی کردن اخلاقی» است. اجتماعی کردن اخلاقی یعنی ایجاد فضای اخلاقی پویا در میان کنشگران و نهادهای عدالت ترمیمی؛ زیرا ایشان در ارتباط با محیط و بافت اجتماعی بزرگتر موجودیت می‌یابند و چنین ارتباطی است که چالش‌های اصلی اخلاقی را پیش‌روی ایشان قرار می‌دهد (جنلینک، ۱۳۹۷: ۲۴). از آنجا که این پویایی، باعث بهداشت روانی بیشتر برای عناصر عدالت ترمیمی، به‌خصوص بزهکار و بزه‌دیده می‌شود؛ بنابراین راهکار مذکور در استقرار «امنیت اجتماعی» تأثیرگذار خواهد بود؛ زیرا امنیت اجتماعی، نوعی احساس آرامش و اطمینان خاطر مردم است که گروه و جامعه در آن نقش دارد و ناظر بر تدارک سلامت اشخاص در جامعه، در مقابل اقدامات خشونت‌آمیز و رفع دغدغه‌های ذهنی و احساس عدم امنیت شهروندان است.

## ی - رهیافت سازمانی به عدالت ترمیمی

امروزه، در محدوده نظریه‌های مرتبط با «سیستم»، «امنیت» در معنی «نظم و ترتیب» نقد و تحلیل شده است؛ در نتیجه، امنیت در «تحلیل‌های سازمانی»، مکانیزم نظم و ترتیبی به‌شمار آمده است که در موارد عدم کفایت یکی از اهرم‌های سیستم، در جهت حسن کارکرد آن، فعال می‌شود (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۰۸). امروزه، اقدامات عدالت ترمیمی در هیئت‌های ترمیمی و جامعه محلی، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی جا یافته است و هدف عمده آنها درک بهتر آثار جرم و بزه‌دیده و جامعه محلی و ایجاد «امنیت» در جامعه است و ایشان می‌کوشند در راستای «امنیت اجتماعی» تصمیمات و تدابیر جبرانی لازم برای اصلاح امور، ترمیم آنچه از بین رفته است و استقرار نظم و ترتیب را اتخاذ کنند.

سازمان‌هایی که به این امور می‌پردازند در قبال همه عناصر درونی و بیرونی خود مسئولیت دارند و «اقتدار»<sup>۱</sup> در هر گروه‌بندی اجتماعی پایداری، دخیل است؛ از آن دم که دو یا چند نفر، خویشان را درگیر رابطه‌ای می‌یابند که به هر میزان، مستلزم توزیع مسئولیت‌ها، وظایف، لوازم، امتیازها و پاداش‌ها است (تامپسون، ۱۳۹۸: ۳۰). هرگاه سازمانی نباشد، اقتداری نیز وجود ندارد تا «امنیت اجتماعی» مستقر شود؛ زیرا نبود سازمان به معنی نبود اقتدار است. دورکیم در خصوص اهمیت سازمان و سازمان‌یافتگی چنین می‌نگارد: «هر اندازه گروه‌های حرفه‌ای، استوارتر و سازمان‌یافته‌تر باشند، به همان اندازه نیز اخلاق حرفه‌ای توسعه‌یافته‌تر و از لحاظ کارآمدی مؤثرتر خواهد بود» (دورکیم، ۱۹۵۰<sup>۲</sup>). «عدالت کیفری» نیز به‌عنوان یک نظام، به نوبه خود از زیرنظام‌ها یا زیرنهادهایی رسمی و غیررسمی از جمله «کنشگران و هیئت‌ها و جامعه محلی در عدالت ترمیمی» تشکیل شده است که در تعامل با یکدیگر، رسالت تأمین «امنیت جامعه» را بر عهده دارد. اقتدار و به تبع استقرار امنیت اجتماعی در گستره فعالیت‌های کنشگران عدالت ترمیمی، مستلزم سازمان است.



## بحث و نتیجه‌گیری

هرچه حضور اخلاق در جامعه نمود بیشتری بیابد، علاوه بر سلامت روانی و اجتماع، سلامت حقوقی جامعه نیز بیشتر شده و رسالت علم حقوق که برقراری نظم، عدالت و امنیت اجتماعی است، بیشتر محقق می‌شود؛ زیرا انتظار اخلاق از ما مدارا، احسان به هم‌نوع، هم‌دردی، درک و دوستی است؛ در حالی که این امور لزوماً از عدالت، استنتاج نمی‌شود. شیوه‌های سنجیده و مطابق با اخلاق، در پیشگیری، درمان و حل معضلات جامعه و استقرار امنیت اجتماعی مؤثرتر است؛ بنابراین ضرورت دارد که حقوق را در قید اخلاق نام برد؛ در حالی که برنامه‌های عدالت ترمیمی تحت الگویی مبتنی بر اخلاق تنظیم نشده است. با توجه به اینکه آرمان عدالت ترمیمی، رسیدن به یک راه‌حل ترمیمی و مبتنی بر مصالحه طرفینی می‌باشد و نه عکس‌العمل صرف، انتقام و مجازات؛ بنابراین عدالت ترمیمی نیز ذیل عدالت اخلاقی قابل طرح است و محدود به ضوابط قانونی نمی‌باشد.

با لحاظ معنی خاص عدالت ترمیمی که اهتمامش به حقوق و منافع بزه‌دیده در کلیه مراحل رسیدگی است، فعالیت‌های کنشگران عدالت موصوف، منجر به استقرار «امنیت قضایی» می‌شود. همچنین، با لحاظ معنی عام عدالت مذکور که اهتمامش بر راهبرد یا مجموعه‌ای از برنامه‌ها، مهارت‌ها و راهبردها است که به حل و فصل تعارضات و اختلافات بین اشخاص در امور غیرحقوقی و حقوقی می‌پردازد، فعالیت‌های کنشگران در این عرصه، منجر به استقرار «امنیت اجتماعی» می‌شود. امنیت قضایی نیز زیرمجموعه امنیت اجتماعی است.

بر حسب دو رهیافت فردی‌نگر و سازمانی‌نگر به اخلاق عدالت ترمیمی، دو تلقی از عدالت مذکور به میان می‌آید: نخست، اخلاق شرکت‌کنندگان، اعضاء و مسئولیت‌پذیری اخلاقی ایشان؛ از این بُعد، علاوه بر توجه به اصول اخلاقی خاص، توجه به حقوق سوزده‌های انسانی، ضروری و تبدیل به الزام‌های اخلاقی می‌شود؛ دوم، اخلاق هیئت‌های ترمیمی و جامعه محلی؛ این نهادها به منزله شخصیت حقوقی، تأثیر بسیار ژرف و بسی بیش از اشخاص حقیقی بر برنامه‌های عدالت مذکور دارد؛ به همین دلیل، سازمان‌ها و هیئت‌هایی که به این امور می‌پردازند، در قبال همه عناصر درونی و بیرونی خود مسئولیت دارند و

پایبندی به مسائل اخلاقی با شناخت کامل از عناصر محیط، حقوق هر یک از آنها و طبقه‌بندی آنها به عمل می‌آید، و آن سازمان‌ها و هیئت‌ها شایسته است برای تحقق اخلاق، مدیریت اخلاق را به‌عنوان بخشی راهبردی در سازمان تعریف کنند و به تدوین بیانیه اخلاقی عدالت ترمیمی، دست یابند و زمینه و فرهنگ التزام به اخلاق عدالت ترمیمی را ایجاد کنند؛ زیرا التزام مذکور می‌تواند انجام وظایف و نحوه رفتار کنشگران عدالت موصوف با رعایت اصول اخلاقی ضروری را عملی کرده و کیفیت خدمات ارائه شده را تضمین کند و در نهایت، در میان عموم مردم اعتماد و امنیت ایجاد کند.

### قدردانی

بدینوسیله نگارندگان، از مؤلفان و مترجمانی که مقالات و کتب‌شان در این پژوهش مورد مطالعه و استناد واقع شد، قدردانی می‌کنند.



## منابع

- بونگه، ماریو (۱۳۹۵). «فرهنگ نامه فلسفی». (ترجمه علیرضا امیر قاسمی)، تهران: نشر اختران.
- تامپسون، کنت (۱۳۹۸). «نقل قول‌های کلیدی در جامعه‌شناسی». (ترجمه نیره توکلی)، تهران: نشر ثالث.
- جنلینک، پاتریک ام (۱۳۹۷). «رهبری اخلاقی و سواد آموزشی». (ترجمه نازیلا آفندیده و ثریا قوره جیلی)، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- شاپلند، جوانا؛ رابینسون، گوئن؛ سارزی، آنجلا (۱۳۹۴). «عدالت ترمیمی در عمل». (ترجمه علی طالع زاری)، تهران: انتشارات کتاب آوا.
- علیا، مسعود (۱۳۹۱). «فرهنگ توصیفی فلسفه اخلاق». تهران: انتشارات هرمس با همکاری مؤسسه حکمت و فلسفه ایران.
- علینقی، امیرحسین (۱۳۷۹). «امنیت قضایی». فصلنامه مطالعه راهبردی، سال سوم، شماره چهارم، مسلسل ۱۰، صص ۴۹-۶۵.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۸). «اخلاق سازمانی». تهران: انتشارات سرآمد.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۱). «درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای». تهران: انتشارات سرآمد.
- فرامرز قراملکی، احد؛ درخشانی، لعبث؛ رضایی شریف‌آبادی، سعید (۱۳۹۰). «اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی». تهران: انتشارات سمت.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۳). «خاستگاه اخلاق پژوهش». آیینه میراث، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۷-۷.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۰). «صلح جاویدان و حکومت قانون، دیالکتیک همانندی و تفاوت». تهران: فرهنگ نشر نو.
- قناد، فاطمه؛ اکبری، مسعود (۱۳۹۶). «امنیت‌گرایی سیاست جنایی». پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره هجده؛ صص ۳۹-۶۷.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره چهارم، سال دوم، صص ۱-۲۳.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۶). «روش تحقیق معاصر در علوم انسانی، مباحثی در سیاست روش». تهران: نشر ققنوس.
- مشکات (بیات)، عبدالرسول (۱۳۹۰). «درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر - فرهنگ واژه‌ها». تهران: نشر سمت.

- مورن، ادگار (۱۳۹۳). «اخلاق». (ترجمه امیر نیک پی)، تهران: نشر نگاه معاصر.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲). «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی». مجله دانشکده علوم اسلامی رضوی، شماره نه و ده.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). «درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها». بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری، مقالات همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری، فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). «کیفرشناسی نو- جرم‌شناسی نو، درآمدی بر رویکرد مدیریتی خطرمدار». تازه‌های علوم جنایی، تهران: نشر میزان.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰). «امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی». فصلنامه راهبرد، شماره پنجاه و هشت، سال بیستم، صص ۱۳۰-۹۵.
- Habermas, J. (1990). *Moral Consciousness and Communicative action*, Cambridge, MA: MIT press.
- J. Gumz, E, L. Grant, C. (2009). *Restorative Justice: A Systematic Review of the Social Work Literature*, Grant Family in Society, the journal of contemporary social services, v 90, 119-126.
- Johnstone, Gerry and van ness, Daniel w (2007). *Handbook of restorative justice*, willan publishing.
- Durkheim, E. (1950). *Lecons de sociologie, physique Des moeuset de droit*, Paris: PUF.

*Archive of SID*